

فصلنامه رادیو تلویزیون / سال دهم / شماره ۲۳ / تابستان ۱۳۹۳ / ۶۴-۳۱

Quarterly Journal of Radio Television, 2014, Vol. 10, No. 23, 31-64

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۵ تجدیدنظر: ۹۳/۱/۲۰ پذیرش نهایی: ۹۳/۲/۲۴

نشانه شناسی سریال‌های پربیننده با تاکید بر مقوله اخلاق: مطالعه موردی «سریال پایتخت»

محمدعلی هرمزی زاده*، مهدی فلاح برندق[✉]

چکیده

با توجه به اهمیت اخلاق در اسلام و نظام جمهوری اسلامی و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و از آنجا که در همه سریال‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، برخی از ارزش‌های اخلاقی، تبلیغ می‌شوند، لذا این مقاله به نشانه شناسی مقوله‌های اخلاقی در سریال پایتخت پرداخته است. چارچوب نظری که به عنوان مبنای تحلیل استفاده شده عبارت از نظریه‌های اخلاقی ملا احمد نراقی و شهید مطهری بوده است. با استفاده از نظریات اخلاقی مطرح شده در چارچوب نظری تحقیق، برای تحلیل داده‌ها از روش نشانه‌شناسی پنج رمزگان بارت استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در سریال پایتخت، شخصیت‌ها از نظر اخلاقی کاملاً منفی یا کاملاً مثبت نبوده‌اند. در این سریال، فضای حاکم بر شهر تهران به گونه‌ای است که افراد برای حل مشکلاتشان دست به کارهای غیراخلاقی می‌زنند و انجام برخی رفتارهای غیراخلاقی، موجب رسیدن به اهداف می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های اخلاقی، سریال پایتخت، نشانه‌شناسی

* عضو هیأت علمی دانشگاه صداوسیما

[✉] کارشناسی ارشد ارتباطات

Email: mehdifallah9@gmail.com

مقدمه

از آنجا که همه رسانه‌ها اهدافی را برای خود تعریف و دنبال می‌کنند، مهمترین رسانه صوتی تصویری کشورمان یعنی صداوسیما نیز از این قاعده مستثنی نیست و تبلیغ ارزش‌های اسلامی و انسانی را از مهمترین رسالت‌های خود تعریف کرده و با تولید برنامه‌های متنوع در راستای رسیدن به این هدف تلاش می‌کند. سریال‌ها از مهمترین محصولات این نهاد فعال فرهنگی به حساب می‌آیند و با توجه به اهداف رسانه ملی، باید توجه ویژه‌ای به ارزش‌های اسلامی داشته باشند. زیرا اخلاق اصل و اساس ادیان الهی و در رأس آنها دین اسلام است. به طوری که پیامبر اسلام (ص) فرمود من برای اتمام مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام. لذا از جمله مهمترین رسالت‌های صداوسیما توجه به مقوله اخلاق است. در این مقاله این مقوله مهم در پربیننده‌ترین سریال سال ۱۳۹۰، با روش نشانه‌شناسی بررسی شده است.

هر جامعه‌ای به باورهایش زنده است و همین باورهاست که به زندگی افراد جامعه، یعنی سریال پایتخت، معنا می‌بخشد و جهت می‌دهد. این جهت‌دهی معمولاً از طریق ارزش‌ها و هنجارهایی اعمال می‌شود که باورها برای افراد به بار می‌آورند. ارزش‌ها و هنجارهایی که راه و رسم زندگی را می‌آموزند و تحت عنوان اخلاق در جامعه رواج می‌یابند. جامعه ما که میراث‌دار فرهنگ اسلامی است، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهایش از دین نشأت گرفته و راهنمای زندگی شده است.

از جمله این ارزش‌ها و هنجارها مبحث مهم / اخلاقیات است که بسیار مورد تأکید دین اسلام است. اخلاقیاتی که نحوه سلوک و رفتار را به ما می‌آموزند و روشنگر سرمنزل سعادت‌مان هستند و ما نیز در قبال این ارزش‌ها وظایفی داریم. از جمله مهمترین آنها حفظ و انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی است که این امر متناسب با هر زمان و هر شرایطی اقدامات خاص خود را می‌طلبد. مخصوصاً امروزه که به خاطر پیشرفت‌های تکنولوژیکی تحت عنوان عصر ارتباطات از آن یاد می‌شود و فرهنگ

غربی به عنوان فرهنگ مهاجم عمل می‌کند، باید در مقابل این تهاجم با تبلیغ ارزش‌های خود به نحو احسن به دفاع از این ارزش‌ها بپردازیم.

وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون تاثیراتی آشکار، سریع، مستقیم، متعدد و بسیار نافذ بر جامعه دارند. این تاثیرات بر بنیادها، رفتارها، فرهنگ، سنت‌ها، عادات، ارزشها، روابط و مدهای اجتماعی کارگر می‌افتد و در راستای این تاثیرگذاری می‌تواند فرهنگ، عادات، نگرشها و الگوی رفتاری و اخلاقی افراد جامعه را تغییر دهد. تلویزیون این موارد را با ظرافت تمام از طریق برنامه‌های مختلف به ویژه سریال‌ها و فیلم‌ها به مخاطبان القا می‌کند و افراد با شیوه‌های مختلفی چون همانندسازی و تقلید، ارزشهای منتشر شده آنها را درونی می‌کنند. جرج گرینر در این مورد می‌نویسد: «تلویزیون نظامی ارگانیک از داستان‌ها و تصاویر است. این نظام به عنوان یک کل به هنجارها شکل داده و آن را در سطوح مختلف جامعه رواج می‌دهد» (گرینر، ۱۹۷۹).

درباره اهمیت موضوع اخلاق همین بس که پیامبر اسلام (ص) فرمودند «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (من برای اتمام مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام). چنانچه از معنای این حدیث برمی‌آید اهمیت اخلاق در دین اسلام به حدی است که پیامبر (ص) هدف از مبعوث شدن خود را چنین امری معرفی می‌کند.

پیشینه تحقیق

۱- محمدعلی هرمزی‌زاده (۱۳۷۴) «ارزش‌های اسلامی در دو سریال ایرانی: تحلیل محتوای سریال‌های تلویزیونی آپارتمان و همسران». مرکز تحقیقات صداوسیما.

گزارش شماره ۱۸۶

هدف این تحقیق بررسی میزان همخوانی دو سریال آپارتمان و همسران با ارزش‌های اسلامی و همچنین تعیین نوع ارزش‌های ترویج شده در این برنامه‌هاست. روش مورد استفاده در این تحقیق تحلیل محتوای مقوله‌ای بوده و یافته‌های این دو سریال با روش‌های تحلیل نقش و تحلیل کنش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. منظور از

تحلیل نقش، سنجش میزان گرایش مذهبی هر یک از شخصیت‌های محبوب و غیرمحبوب سریال است. اگر شخصیت‌های محبوب سریال دارای هویت اسلامی و شخصیت‌های غیرمحبوب دارای هویت غیراسلامی باشند جهت‌گیری سریال مثبت و در غیر این صورت منفی است. در تحلیل کنش به نتیجه و عاقبت هر کنش شخصیت (مثبت و منفی) توجه شده است. چنانچه کنشی ارزشی دارای سرانجام مطلوب و کنشی غیرارزشی دارای عاقبت نامطلوب باشد، جهت‌گیری ارزشی سریال مثبت بوده و در غیر این صورت منفی است.

نتایج حاصل از پژوهش، این است که در سریال آپارتمان از ۱۷ شخصیت اصلی، ۸ شخصیت در جهت مقابله با ارزشهای اسلامی و ۹ شخصیت در جهت دفاع از این ارزش‌ها عمل می‌کنند. در سریال همسران نیز فقط مادر بزرگ علی است که تا حدی مروج ارزش‌های دینی است و بقیه مروج ارزش‌های ضد دینی هستند.

۲- فوزیه شهاب و زیبا صالحی سده (۱۳۸۳). «بررسی ارزشهای اسلامی در مجموعه تلویزیونی گمگشته». مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما. گزارش شماره ۸۵

هدف اصلی این پژوهش تعیین میزان و نوع ارزش‌های اسلامی و ضد ارزش‌ها با رویکرد اسلامی در مجموعه تلویزیونی گمگشته بوده است که برای دستیابی به آن ۲۸ قسمت (کل برنامه) بر اساس متغیرهای تعیین شده کدگذاری و تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاکی از آن است که در مجموع ۷۲ درصد رفتار ارزشی و ۲۸ درصد رفتار ضد ارزشی در این مجموعه مشاهده شده است که بیشترین رفتار ارزشی «ادب و احترام» و کمترین رفتار ارزشی «استقامت در دینداری» و «وفای به عهد» بوده است. بیشترین رفتار ضد ارزشی «بد زبانی و استفاده از واژه‌های نادرست» و کمترین رفتار ضد ارزشی «عبادت متزلزل» بوده است.

نظریه‌های مربوط به موضوع

نشانه از دیدگاه پیرس

فردینان دوسوسور زبان‌شناس سوئیسی نشانه را مرکب از دو بخش دال و مدلول دانست. همزمان با او، چارلز ساندرز پیرس فیلسوف پراگماتیست آمریکایی، نشانه‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: تمثال، شاخص و نماد.

تمثال

نشانه‌ای که به چیزی که نماینده آن است شباهت دارد. مثلاً عکس گذرنامه نمونه‌ای از این نشانه‌هاست. چنین تصویری بازنمایی دقیق چهره ما است. تمام جزئیات تصویر در مقام دال عمل می‌کنند و در نتیجه هرکسی که ما را بشناسد مدلول تصویر را تشخیص می‌دهد (گیل و آدمز، ۱۳۸۴، ص ۲۵۵).

شاخص

نشانه‌ای است که از طریق نزدیکی مکانی زمانی و یا از طریق علیت با مرجع خود مرتبط می‌شود. در فیلم‌های سینمایی صدای ترمز دلخراش و برخورد شدید، بدون آن که در تصویر دیده شود، نشانه‌ای از تصادف است. آژیر آمبولانس، بدون آن که بیننده ماشین آمبولانسی را ببیند، نیز از نوع شاخص است (کوثری، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

نماد

نماد نشانه‌ای قراردادی است. بین نمادها و آنچه نمایانگر آن هستند، تنها رابطه‌ای قراردادی وجود دارد. بنابراین برخلاف تمثال و شاخص، رابطه نماد با آنچه بازنمایی می‌کند، نه رابطه‌ای مبتنی بر شباهت است و نه علیت. مثلاً در فیلم‌های سینمایی سه راهی، نماد تردید و سرگردانی شخصیت‌ها در انتخاب راه و تصمیم‌گیری است. همچنین گربه سیاه و براق در بسیاری از فیلم‌های کلاسیک هالیوود نمایانگر زن

عشوه‌گر است. به وضوح در این دو مثال، نه سه راهی شباهتی به تردید و سرگشتگی دارد و نه گربه سیاه به عنصر زنانه. این رابطه بیش از هر چیز قراردادی و اختیاری و دلخواهانه است. معنای دیگر این سخن آن است که نمادها معانی مطلق ندارند و بسته به تنوع فرهنگ‌ها، نمادها می‌توانند معانی مختلفی به خود بگیرند. بدون توجه به فرهنگ مشترک که می‌توان آن را زمینه‌نا امید نمی‌توان به درک معانی نشانه (به ویژه نمادها) نائل شد. با این همه، ما شاهدیم که بسیاری از تمثال‌ها، شاخص‌ها و نمادها برای مردمی از ملل مختلف معنای تقریباً یکسان دارند. دلیل چنین امری آن است که در اثر تبادل فرهنگی جوامع با یکدیگر، معنای نشانه‌ها به تدریج به صورت امری مشترک درآمده است (کوثری، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

نشانه از دیدگاه رومن یاکوبسن

یاقوبسن بر اساس تمایز میان انتخاب ترکیب سوسوری، نظریه خود را درباره قطب‌های مجازی و استعاری ارائه نمود و این دو را سازو کار اصلی تولید معنی معرفی کرد. وی در تأیید دیدگاهش شواهدی از زبان پریشی می‌آورد: «زبان پریشی انواع متعدد دارد در نوع اول رابطه مشابهت مختل می‌شود و در نوع دوم رابطه مجاورت. شیوه اول استعاری و شیوه دوم مجازی است» بر اساس همین تمایزها یاقوبسن در مقاله زبان شناسی و بوطیقا ابتدا به بحث شعر شناسی می‌پردازد؛ به این که چه چیزی پیامی کلی را تبدیل به اثر هنری می‌کند آنگاه اجزای متشکله ارتباط کلامی (گوینده - پیام - مخاطب) را مشخص و بر همین اساس کارکردهای شش‌گانه زبان (عاطفی، ارجاعی، شعری، رمزگشایی، فرازبانی و کنشی) را مورد مذاقه قرار می‌دهد سپس تعریف خود از کارکرد شعری زبان را بیا می‌کند. کارکرد شعری اصل معادل بودن واژگان را از محور انتخاب به محور ترکیب سوق می‌دهد (یاقوبسن، ۱۳۸۰، ص ۹۷).

تعریف اخلاق

اخلاق جمع خُلُق و خُلُق است، به گفته راغب در کتاب مفردات این دو واژه در اصل به یک ریشه برمی‌گردند. خُلُق به معنای هیأت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خُلُق به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اخلاق مجموعه‌ی صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به اعمال و رفتاری که از خلیقات درون ناشی می‌شود نیز اخلاق گفته می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، صص ۲۴-۲۳).

در فرهنگ معین، اخلاق به معنای خلق و خوی‌ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی و نیز به عنوان یکی از شعب خدمت عملی خوانده می‌شود و افزوده است؛ اخلاق دانش بد و نیک خوی‌ها و تدبیر انسان است برای نفس خود یا یک تن خاص (معین، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۴).

عناصر ارزش اخلاقی

ارزش اخلاقی و ارزش اقتصادی در معنای مطلوبیت باهم اشتراک دارند اما بدون شک ارزش‌های اخلاقی عین ارزش‌های اقتصادی نیست. بنابراین قبل از پرداختن به منشاء ارزش‌های اخلاقی باید ببینیم ارزش‌های اخلاقی چه ویژگی‌هایی دارند:

- ۱- **مطلوبیت:** این ویژگی در ذات معنای ارزش نهفته است هر جا از ارزش صحبت می‌کنیم چه در اخلاق و چه در اقتصاد در واقع می‌خواهیم اشاره به این نکته داشته باشیم که این شیء دارای مطلوبیت است. بنابراین مطلوبیت یکی از ویژگی‌های عام تمام معانی ارزش به حساب می‌آید.
- ۲- **اختیار:** از آن رو که موضوع ارزش‌های اخلاقی رفتار اختیاری انسان است پس زمانی می‌توان سخن از ارزش‌های اخلاقی گفت که امور مطلوب - که از عناصر عمومی ارزشمندی است - از روی اختیار کسب شود. یعنی انسان از روی اختیار و

اراده خود راست بگوید. پس تا این جا ویژگی ارزش‌های اخلاقی این شد که چیزی مطلوب باشد و این مطلوب بودن مربوط به فعل اختیاری انسان باشد.

۳- **مطلوبیت انسانی:** به طور طبیعی، انسان در زندگی گرسنه و تشنه می‌شود و برای اشباع غریزه‌اش غذا می‌خورد و آب می‌نوشد بنابراین آب نوشیدن برای او مطلوب است. همچنین این عمل کاملاً اختیاری است با توجه به معیار بالا باید این عمل ارزش اخلاقی داشته باشد. قطعاً این معنا را نمی‌توان پذیرفت. بنابراین باید بگویید مطلوبیتی اخلاقی است که تنها برای اشباع غریز نباشد پس برای چه سر بزند؟ پاسخ به این پرسش قید دیگری را به عناصر ارزشمندی اخلاقی می‌افزاید و آن انسانی بودن مطلوبیت است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۴۶).

اخلاق نظری و اخلاق عملی

اخلاق به دو گونه اخلاق عملی و اخلاق نظری تقسیم می‌گردد. مقصود از اخلاق نظری، جدا کردن فضایل از رذایل است. به سخن دقیق‌تر، نمودن فضایل و بیان تفاوت‌های میان متشابهات آن و نیز نمودن رذایل و بیان تفاوت‌های میان متشابهات آن و استدلال بر نیکو بودن فضایل و زشت بودن رذایل است. مقصود از اخلاق عملی، آشکار کردن چگونگی پاکسازی نفس و بیان مراتب سیر به سوی حق تعالی و بیان توصیه‌ها و رهنمودهایی کلی یا جزئی برای تهذیب نفس و سیر از یک منزلگاه به منزلگاه دیگر است. این اصطلاح نیز از قبیل تعلق صفت به حال متعلق موصوف است، زیرا این‌ها همه با علم اخلاق پیوند دارند نه با خود اخلاق. زیرا اخلاق، همان صفات پنهان در نفس است، اعم از فضایل و رذایل، و این صفات، نه نظری هستند و نه عملی، چه، نظری از مدرکات عقلی است و عملی از افکار و اقوال و اعمال که آن نیز جهتی، از مدرکات عقلی به شمار می‌آید (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

مبنای اخلاق در غرب

اخلاق از نظر سقراط (۳۹۹-۴۶۹ ق.م)

در غرب، سقراط نخستین کسی است که مسئله تعریف کلی را در ارتباط با فضایل اخلاقی مطرح کرد. او معتقد بود که هرکس پیش از آنکه جویای منافع خود باشد، باید جویای فضیلت و حکمت باشد و لذا درصدد تعریف مفهوم خوب، حکمت، فضیلت و امثال آن بود. رابطه میان معرفت و فضیلت، مشخصه اخلاق سقراط است. او معرفت و فضیلت را یکی می‌دانست. به این معنا که شخص عاقل می‌داند که حق چیست، به آن چه حق است عمل می‌کند و هیچ‌کس دانسته از روی قصد مرتکب بدی نمی‌شود. هیچ کس شر را به عنوان شر انتخاب نمی‌کند. البته ارسطو، بعدها این نظریه سقراط را مورد انتقاد قرار داد و گفت که سقراط، اجزای غیر عقلانی نفس را فراموش کرده و به ضعف اخلاقی که آدمی را به عملی می‌کشاند که می‌داند خطاست توجه کافی نکرده است. سقراط به یک معنا، به دنبال فایده جویی و منفعت بود. البته باید دانست که مفید و سودمند نزد سقراط یعنی چیزی که وسیله نیل به سعادت حقیقی و هماهنگی نفس است. البته به نظر سقراط، خوشی و لذت یک چیز است، ولی خوشی و لذت حقیقی و سعادت پایدار را ملازم با انسان اخلاقی می‌دانست و سعادت نزد او، داشتن بیشتر نعمت‌های مادی نبود (معلمی، ۱۳۸۰، صص ۲۳-۲۴).

از یکی گرفتن حکمت و فضیلت، وحدت فضیلت نتیجه می‌شود. با این حال فقط یک فضیلت نزد سقراط وجود داشت و آن عبارت بود از بصیرت به آنچه حقیقتاً خیر است و آنچه منجر به سلامت و هماهنگی نفس می‌شود.

سقراط اهمیت نقش فضایل شناخته شده‌ای همچون عدالت، شجاعت و فضایل دیگر در ایجاد یک زندگی همراه با ساختار خوب برای انسان را پذیرفته بود، ولی سعی داشت یک نظام فلسفی و آرمانی ایجاد کند و به هر آنچه برای انسان خوب است دست یابد. یعنی به چرایی و چگونگی یک چیز خوب و نحوه اندازه‌گیری و مقایسه

خوبی با دیگر اشیاء دسترسی پیدا کند. او فضایل اخلاقی را در کنار یکدیگر قابل کسب می‌داند نه جدا از هم دیگر (معلمی، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

اخلاق در نظر دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶)

دکارت انسان را فاعل مختار می‌داند و معتقد است انسان برای گزینش‌های خود داعی و انگیزه دارد و ترجیح بلامرجح در مورد او صورت نمی‌گیرد و همواره می‌کوشد صلاح را برگزیند. اراده انسان آزاد و نامحدود، ولی قدرت او محدود است و چون خداوند مهربان است، پس هرچه به ما می‌رسد خیر و صلاح ماست گرچه با رنج و غم همراه باشد. پس نخستین دستور الهی این است که در مقابل خواست خداوند متعال تسلیم و راضی باشیم. خوشی روان، برتر از خوبی بدن است و آخرت بهتر از دنیا است. پس نباید از مرگ ترسید، و نباید به مال دنیا دل بست.

عدم تصمیم و تردید موجب پریشان حالی است و هواهای نفسانی، مانع فهم خیر و شر است و لذا باید نفسانیات را شناخت و علت ظهور و بروز آنها را دریافت تا بتوان آنها را خنثی کرد ... حاصل آنکه عمل انسان باید همواره عقل پسند باشد. اگر چنین شود البته سعادت و خرسندی خاطر- که مراد و منظور علم اخلاق است- حاصل می‌گردد (معلمی، ۱۳۸۰، صص ۵۴-۵۵).

چارچوب نظری تحقیق

مبنای اخلاق در اسلام

اخلاق در قرآن

قرآن بزرگترین هدیه‌ای است که خداوند با فرود آوردن آن بر پیامبر اسلام به انسان منت نهاده است. قرآن نوری است که دلها را روشن می‌سازد، دارویی است که دردها را درمان کند و سینه‌ها را شفا بخشد، موعظه‌ای است که انسان را از غفلت در آورد و راهنمایی است که به بهترین راه سعادت رهنمونش سازد.

قرآن یک مجموعه کامل از معارف بشری و علوم انسانی است که در زمینه تاریخ، حقوق، سیاست، اخلاق، تربیت، اعتقادات، احکام، جامعه‌شناسی و ... سخن می‌گوید و در همه آنها دیدگاه خاص خود را ارائه کرده است و بر اندیشمندان مسلمان است که با دقت و مطالعه کافی در آن، دیدگاه قرآن را در هر یک از موضوعات نامبرده کشف کنند.

یکی از بخش‌های مهم «معارف قرآن»، بخش مربوط به اخلاق است. اخلاق در قرآن اهمیت فراوانی دارد و در آیات و روایات متعددی، محور اصلی آن؛ یعنی تزکیه نفس به عنوان یکی از مهمترین اهداف نزول قرآن و بعثت پیامبر اسلام مطرح شده است.

اخلاق با ملکات نفسانی، تزکیه و تهذیب نفس، اعمال و رفتار فردی و روابط اجتماعی انسان ارتباط عمیق دارد. روابط میان انسان با خدا را تنظیم می‌کند، روابط میان اعضای جامعه را سامان می‌دهد، فرد و جامعه را به رستگاری و کمال می‌رساند و در یک جمله، در زندگی و سرنوشت فردی و اجتماعی انسان، نقش عمیق و گسترده‌ای دارد.

در بحث «اخلاق در قرآن»، افعال اختیاری انسان که محور اصلی و موضوع اساسی آن است، از یک سو، علل و عوامل گوناگون در ظهور و بروز آن نقش دارد و دارای منشأهای مختلفی هستند؛ یعنی، بعضی از افعال انسان منشأ غریزی دارند، بعضی دیگر از رفتارهای وی را تأثیرات روحی مانند: وحشت و اضطراب و غیره بوجود می‌آورند، در بسیاری از موارد، تمایلات عالی و گرایش‌های فطری و ویژه انسان، منشأ ظهور اعمال و رفتار خاصی در انسان می‌شوند. سرانجام، در پاره‌ای از موارد نیز رفتار انسان تحت تأثیر عوامل احساسی و عاطفی شکل می‌گیرند: اعم از احساسات و عواطف مثبت نظیر انس و محبت و احساسات و عواطف منفی مانند کینه و نفرت.

در تنظیم بخش اخلاق شناسی از معارف قرآن آیت الله مصباح یک دسته‌بندی را به عنوان چارچوب و ترتیب بحث برگزیده، رفتار اختیاری انسان را، به تناسب آنکه در

چه رابطه‌ای انجام می‌گیرد و به چه تعلق دارد، بر سه دسته کلی تقسیم کرده‌اند: یک دسته کارهایی است که انسان در ارتباط با خدا انجام می‌دهد. مثل توجه به خدا، امید به خدا، ایمان به خدا، خوف و خشوع از خدا و ... که منشأ عبادت و بندگی در برابر خداوند می‌شود. دوم رفتارهایی است که در اصل به خود انسان مربوط می‌شود هرچند که ثانیاً و بالعرض، با دیگران نیز ارتباط پیدا کند و یا رابطه با خدا هم در آن ملحوظ شود. سوم کارهایی است که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد و روابطی است که با دیگران برقرار می‌کند. و بر اساس تقسیم‌بندی فوق، اخلاق در قرآن را در سه قسمت کلی و زیر سه عنوان کلی: ۱- اخلاق الهی ۲- اخلاق فردی ۳- اخلاق اجتماعی مطرح کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، صص ۱۷-۱۵).

لزوم توجه به مسئله اخلاق و اهمیت آن از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی
مکارم شیرازی در کتاب خود تحت عنوان «یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث» درباره لزوم توجه به مسئله اخلاق و اهمیت آن را این گونه بیان می‌کند:
در دنیای امروز سه بحران مهم جوامع بشری را دربرگرفته:

الف: بحران سیاسی

ب: بحران اقتصادی

ج: بحران اخلاقی

گرچه غالب دولتمردان دنیا به بحران‌های سیاسی و اقتصادی می‌اندیشند ولی اگر درست بنگریم ریشه همه بحران‌ها را در بحران اخلاقی می‌یابیم. هنگامی که هر گروه به فکر منافع گروه خود باشد، و دولتمردان جهان با صراحت بگویند منافع ما در فلان منطقه چنین و چنان اقتضا می‌کند و یا بروز جنگ در فلان نقطه جهان به سود ماست و در فلان نقطه به زیان ما، بنابر این در آنجا حامی جنگ طلبانیم و در اینجا طرفدار صلح و آشتی.

و هنگامی که گروهی بگویند تجارت جهانی به نفع ماست و به همین دلیل با تمام وجود از آن حمایت می‌کنیم و گروه دیگری بگویند به زیان ماست پس مخالف هستیم، و هیچ کس نگوید باید منافع همه مردم جهان را در نظر گرفت و ساده‌ترین اصل اخلاقی که می‌گوید «آنچه برای خود می‌خواهی برای دیگران بخواه و آنچه نمی‌خواهی بر آنها نیز نخواه» به فراموشی سپرده شود و هنگامی که فساد و فحشاء و رشوه‌خواری و سوداگری مرگ غالب نقاط جهان را دربرگیرد نباید انتظار بحران نداشته باشیم بلکه دائماً گرفتار بحران‌ها و جنگ‌ها و ستیزها و ناآرامی‌ها خواهیم بود.

به همین دلیل انبیا الهی قبل از هر چیز به سراغ اصلاح اخلاق امت‌ها رفتند و آن را بر همه چیز مقدم شمردند تا آنجا که پیامبر اسلام (ص) هدف بعثت خود را تکامل اخلاقی بشر معرفی می‌کند و حدیث معروف «أُتِيَ بَعَثْتُ لِاتِمَامِ مَكَارِمِ الْخُلُقِ» بیانگر اهداف والای آن حضرت است. بنابراین بر همه بشر دوستان عالم و آنها که جهانی مملو از صلح و صفا و عدالت را آرزو می‌کنند لازم است تمام هم‌خود را مصروف ارتقاء سطح اخلاق در جوامع بشری کنند. قرآن مجید که داروی دردهای جانکاه انسانی را با خود آورده در بخش عظیمی از آیات به توصیه‌های مهم و انسان‌ساز اخلاقی پرداخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، صص ۶-۵).

اخلاق از دیدگاه ملا احمد نراقی

ایشان در بیان بعضی مقدمات نافع از بیان حالات نفس و منفعت و فضایل اخلاق و مضرات ردایل آورده است: بدان که کلید سعادت دو جهانی شناختن نفس خود است زیرا که شناختن آدمی خویش را اعانت بر شناختن آفریدگار خود می‌نماید چنانکه حق تعالی می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» یعنی زود باشد که بنمائیم به ایشان آثار قدرت کامله خود را در عالم نفسهای ایشان تا معلوم شود ایشان را که اوست پروردگار حق ثابت. و از پیامبر (ص) منقول است که: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» یعنی هرکه بشناسد خود را به تحقیق که شناخته است

پروردگار خود را و خود این ظاهر و روشن است که هر که خود را نتواند بشناسد به شناخت دیگری چون تواند رسید زیرا که هیچ چیز به تو نزدیکتر از تو نیست. چون خود را شناسی دیگری را چون شناسی.

و نیز شناختن خود موجب شوق تحصیل کمالات و تهذیب اخلاق و باعث سعی در دفع رذایل می‌گردد زیرا که بعد از آنکه آدمی حقیقت خود را شناخت و دانست که حقیقت او جوهری است از عالم ملکوت که به این عالم جسمانی آمده باشد که به این فکر افتد که چنین جوهر شریف را عبث و بی‌فایده به این عالم نفرستاده‌اند و این گوهر قیمتی را ببازیده در در صندوقچه بدن نهاده‌اند و بدین سبب در تحصیل فوائد تعلق نفس به بدن بر می‌آید. (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

چون هرکسی مرکب است از نفس و بدن پس بدان که حقیقت آدمی و آنچه بسبب آن بر سایر حیوانات ترجیح دارد همان نفس است که از جنس ملائکه مقدسه است و بدن امری است عاریت و حکم مرکب از برای نفس دارد که بدان مرکب سوار شده و از عالم اصلی و موطن حقیقی به این دنیا آمده تا از برای خود تجارتی کند و سودی اندوزد و خود را با انواع کمالات بیاراید و اکتساب صفات حمیده و اخلاق پسندیده نماید و باز مراجعت به وطن اصل خود نماید.

و چون آدمی را روحی و بدنی است که هر کسی مرکب است از این دو بدان که هر یک از این دو جزء را المی و لذتی و راحتی و مرضی و صحتی است و آلام محتتهای بدن عبارت است از امراض و بیماری‌ها که عرض بدن می‌گردد و جسم را لاغر و نحیف می‌کند و او را از درک لذات جسمانیه باز می‌دارد و با مسامحه در معالجه به هلاکت بدن منجر می‌شود و علم طب موضوع است از برای بیان این امراض و معالجات آنها و آلام و بیماریهای روح عبارت است از اخلاق ذمیمه و صفات رذیله که موجب هلاکت و بدبختی روح است و او را از درک لذات روحانیه و رسیدن به سعادت ابدیه محروم می‌گرداند و مراقبت از محرمان خلوتخانه انس و مجاورت عالم قدس و صحت و راحت روح عبارت است از اتصاف او به اوصاف قدسیه و ملکات

ملکیه که موجب قرب حضرت باری و باعث نجات و رستگاری است و تفصیل این امراض و معالجات در علم اخلاق است (نراقی، ۱۳۸۸، صص ۱۸-۱۷).

زنهار ای جان برادر تا حدیث بیماری روح را سهل‌نگیری و معالجه آن را بازیچه‌نشماری و مفسد اخلاق رذیله را اندک ندانی و صحت روح را بصحت بدن قیاس نکنی. چراکه اخلاق ذمیمه موجب بیماری روح است و آدمی را از رسیدن به لذت و سعادت ابدی باز می‌دارد. و صحت روح و اتصاف آن به محاسن اخلاق باعث زندگانی ابدی و حیات حقیقی است. و بعد از آنکه ساحت نفس انسانی از اخلاق ناپسند پاک و بصفات ارجمند بترتیب مقرر آراسته گردد مستعد قبول فیضهای غیر متناهی رب‌الارباب بلکه به سبب آن رفع حجاب می‌شود (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

نراقی در مورد فایده علم اخلاق آورده است، که فایده علم اخلاق پاک ساختن نفس است از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله که از آن به «تهذیب اخلاق» تعبیر می‌شود. و ثمره تهذیب اخلاق رسیدن به خیر و سعادت ابدیه است و باید دانست که سعادت مطلق حاصل نمی‌شود مگر اینکه صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق ذمیمه معرماً و به تمام اوصاف حسنه محلّی باشد. و اصلاح بعضی صفات یا در بعضی اوقات اگر چه خالی از ثمر نیست و لیکن موجب سعادت ابدیه نمی‌شود همچنانکه صحت بدن و نظام مملکت نمی‌باشد مگر به دفع جمیع امراض و اصلاح جمیع طوایف و اشخاص در تمام اوقات. پس سعید مطلق کسی است که اصلاح جمیع صفات و افعال خود را بر وجهی نموده باشد که ثابت و پایدار بوده باشد و از تغییر احوال در آنها خللی راه نیابد و از تبدل زمان متغییر نشود از شعله‌های مصائب و بلا یا برقی بخرمن صبرش نرسد (نراقی، ۱۳۸۸، صص ۲۶-۲۵).

اخلاق از دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری معارف اسلامی را به چند قسمت تقسیم می‌کند که یکی از آنها اخلاقیات است. اخلاقیات یعنی خصلت‌هایی که یک فرد مسلمان باید خویشتن را به

آن خصلتها و خوی‌ها بیآرید و از اعداد آنها خویش را دور نگه دارد. اخلاقیات مجموعه گزاره‌هایی هستند که نحوه تعامل مسلمان با خود و دیگران را در زندگی مشخص می‌کنند. اخلاقیات اسلامی صفاتی مانند: صداقت، پشتکار، اخلاص، و ... می‌باشند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

شهید مطهری در مورد ارزش کار اخلاقی می‌گوید: کارهایی که ما به آنها کار اخلاقی می‌گوییم فرقی با کار عادی این است که قابل ستایش و آفرین و تحسین‌اند. به عبارت دیگر بشر برای این گونه کارها ارزش قائل است تفاوت کار اخلاقی با طبیعی در این است که کار اخلاقی در وجدان هر بشری دارای ارزش است یعنی یک کار ارزشمند و گرانبها است و بشر برای خود این کار، قیمت قائل است. آن قیمتی هم که برایش قائل است. نه از نوع قیمت و ارزشی است که برای کار یک کارگر قائل است که ارزش مادی به اصطلاح ایجاد می‌کند و استحقاق مبلغی پول یا کالا در مقابل کار خودش پیدا می‌کند بلکه یک نوع ارزش مافوق این ارزش‌هاست که با پول و کالای مادی قابل تقویم نیست. کارهای اخلاقی، در ذهن و وجدان بشر دارای ارزش و قیمت است، گرانبها است ولی نوع ارزشش با ارزش‌های مادی متفاوت است. آن یک ارزش دیگری است ارزشی است مافوق ارزش‌های مادی (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۴-۱۳).

ایشان در مورد تقسیم عقل به دو بخش عقل عملی و عقل نظری می‌گویند: عقل انسان دو بخش است. یک قسمت از کارهای عقل انسان درک چیزهایی است که هست و اینها را عقل نظری می‌گویند و قسمت دیگر عقل درک چیزهایی است که باید بکنیم یعنی درک بایدها (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۶۴).

شهید مطهری، افعال انسان را به دو گونه فعل طبیعی و فعل اخلاقی تقسیم می‌کند. افعال طبیعی، افعال عادی است و انسان به موجب این افعال مورد ستایش و تحسین واقع نمی‌شود. مثلاً انسان گرسنه می‌شود غذا می‌خورد، تشنه می‌شود آب می‌آشامد، کسل می‌شود، می‌خواهد اینها را می‌گویند فعل طبیعی یا کارهای عادی و طبیعی که حیوان‌ها هم در این کارها با انسان شرکت دارند. ولی بعضی کارهای دیگر است که

مافوق کار طبیعی است. گاهی اینها را می‌گویند کار انسانی، و مافوق کار حیوانی است. مثل شکر و سپاسگزاری. اگر انسان از شخصی در یک موقعی احسان دیده است، در یک فرصت مناسب به نوعی در مقابل احسان او سپاسگزاری می‌کند، حال یا سپاسگزاری لفظی و یا عملی، مثلاً هدیه‌ای برای او می‌فرستد، بدون آن که هیچ گونه اجبار و الزامی به این کار داشته باشد. این را می‌گویند یک عمل اخلاقی. به طور کلی خدمت‌هایی را که انسان به نوع بشر می‌کند بدون آنکه چشمداشتی از آن خدمت داشته باشد بلکه فقط و فقط به منظور اینکه احسانی کرده باشد به دیگری احسان می‌کند؛ می‌گویند فعل اخلاقی، مثل دستگیری‌ها (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۲۹۶-۲۹۵).

اخلاق از دیدگاه باهنر

باهنر (۱۳۸۷) معارف اسلامی را به شرح ذیل تقسیم‌بندی می‌کند که در این تحقیق معارف اخلاقی که توسط وی تقسیم‌بندی شده است یکی از مبانی تحقیق ما می‌باشد. باهنر معارف اسلامی را به پنج دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از:

۱. معارف اعتقادی
 ۲. معارف اخلاقی
 ۳. معارف تاریخی
 ۴. معارف اجتماعی
 ۵. مراسم و احکام عملی
- وی در مورد معارف اخلاقی بیان می‌کند که منظور از معارف اخلاقی، همان ارزش‌های اخلاقی مورد ادعای دین و مضادیق آنهاست. این معارف طیف گسترده‌ای از مسائل مورد نیاز در زندگی یک دیندار را مطرح می‌سازد که حقوق متقابل اخلاقی و اجتماعی افراد و اقشار مختلف جامعه نسبت به یکدیگر از آن جمله می‌باشد. یکی از مهمترین وظایف چنین مباحثی این است که با تغییر شرایط اجتماعی و پدیدار شدن مسائل نوین در جامعه، ارزش‌ها و وظایف اخلاقی، دینی را در قبال آنها روشن سازد.

معارف اخلاقی خود به دو بخش تقسیم می‌شود: الف: فضایل اخلاقی؛ ب: زدایل اخلاقی

فضایل اخلاقی شامل: صداقت، حُسن‌ظن، گذشت، تواضع، احسان، محبت، امانتداری، عدالت و ... است.

زدایل اخلاقی شامل: حسادت، دروغ‌گویی، غیبت، بدخواهی، تهمت، تحقیر، خشم و ... است (باهر، ۱۳۸۷، صص ۱۵۰-۱۴۹).

روش تحقیق

در این مقاله روش تحقیق، روش نشانه‌شناسی است که گیل و آدامز، آن را به این صورت تعریف کرده‌اند:

«نشانه‌شناسی» مطالعه شیوه‌های تولید معنا در نظام‌های نشانه‌ای است که افراد برای مقاصد ارتباطی‌شان به کار می‌گیرند (گیل و آدامز، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲).

نشانه‌شناسی (علم نشانه‌ها) در درجه اول با آفرینش معنا در متون (فیلم، برنامه‌های تلویزیونی، و دیگر آثار هنری) سروکار دارد. این علم نشان می‌دهد که نشانه چیست و نقش آن چیست. توجه به نشانه‌ها و شیوه‌های ارتباطی آنها پیشینه‌ای دیرینه دارد (فلاسفه قرون وسطی مانند جان لاک و دیگران به این موضوع علاقه نشان داده بودند) می‌توان گفت که تحلیل نشانه‌شناسی نوین با کار زبان‌شناس سوئیسی فردینان دو سوسور و فیلسوف آمریکایی چارلز سندرس پیرس آغاز می‌شود (آسابرگر، ۱۳۸۹، ص ۱۶).

فردینان دو سوسور نیز نشانه‌شناسی را همچون علمی تعریف می‌کند «که به بررسی حیات نشانه‌ها در جامعه می‌پردازد» و در پروژه خود که تحت عنوان *Semiology* مطرح شده است، بر سرشت اختیاری نشانه تأکید می‌کند. نشانه که موضوعی فیزیکی و معنادار است، از ترکیب دال و مدلول شکل می‌گیرد. بین این دو رابطه طبیعی و یا ضروری برقرار نیست بلکه رابطه میان آنها از طریق قرارداد، قاعده و یا توافق برقرار

می‌شود که مورد پذیرش جامعه است. از منظر سوسور کلید فهم نشانه‌ها توجه به رابطه ساختاری آنها با نشانه‌های دیگر بود. به طور کلی سوسور توجه خود را بیشتر به خود نشانه معطوف کرده است و توجه چندانی به دلالت آن به واقعیت‌های بیرونی نشان نمی‌دهد (اکو، ۱۳۸۹، ص ۷).

بارت در کتاب S/Z داستان کوتاه سارازین اثر بالزاک را مورد بررسی قرار می‌دهد. او شیوه‌ای ساختگرایانه بکار می‌بندد و واحدهای خوانش را تحت عنوان لکسیس مورد بررسی قرار می‌دهد. «واحد خوانش» در تحلیل بارت عبارت است از یک قلمرو تحقق معنا که گاهی یک جمله و گاهی یک کلمه است. این استراتژی‌های تفسیری سبب ایجاد انعطاف در نحوه بررسی بارت می‌شود.

بارت مانند آندره بازن فیلم را رسانه‌ای خنثی نمی‌بیند که وظیفه ثبت پدیده‌های جهان واقعی را بر عهده داشته باشد. او در S/Z به وضوح نشان می‌دهد که متون رئالیستی با صناعت همراهند و نوعی خلق در آنها به وقوع می‌پیوندد. از منظر بارت هر متنی حاصل همگرایی دو دسته از مناسبات است:

۱. منطق درونی متن

۲. منطق بیرونی متن یا بین‌المتونیت

در منطق درونی صحبت از این است که «شخصیت‌ها منسجم و بدون تناقض عمل می‌کنند. روایت از اصل عدم تناقض تبعیت می‌کند... اعمال شخصیت‌ها دارای پیامدهای قابل پیش بینی است. از منظر منطق بیرونی "متن صرفاً از طریق هماهنگی با دیگر متون و برداشت از اعتبار این متون است که متقاعد کننده می‌شود" (بارت، ۱۳۸۴، ص ۱۰).

دلالت مستقیم و دلالت ضمنی

عملکرد تمایز میان دلالت مستقیم و دلالت ضمنی در سطح مدلول است. به عنوان مثال هر کلمه‌ی خاص فرانسوی معنای «ملفوظ» خود (دلالت مستقیم خود)، می‌تواند دلالت ضمنی نیز داشته باشد. در نشانه‌شناسی، دلالت‌های مستقیم و ضمنی، وجوهی

برای تشریح رابطه میان دال و مدلول و تمایزی تحلیلی که میان دو نوع از مدلول‌ها به وجود می‌آید، می‌باشند: مدلول‌های مستقیم و مدلول‌های ضمنی. معنا توسط هر دوی این دلالت‌ها بوجود می‌آید.

در «دلالت مستقیم» تمایل به ارائه معنای معین، «ملفوظ»، «آشکار» یا «مطابق عقل سلیم»، برای نشانه وجود دارد در مورد نشانه‌های زبانی، معنای مستقیم همان است که معمولاً در لغت نامه‌ها می‌توان یافت.

اصطلاح «دلالت ضمنی» برای ارجاع به معناهای اجتماعی- فرهنگی و «شخصی» نشانه‌ها به کار می‌رود و به طبقه، سن، جنسیت و نژاد تفسیرگر بستگی دارد. ماهیت نشانه‌ها «چند معنایی» است. آنها در برابر تفسیرها گشوده هستند و دلالت‌های آنها را باید بیشتر ضمنی دانست تا مستقیم. گاهی دلالت مستقیم را به عنوان یک رمز **دیجیتال** و دلالت ضمنی را به عنوان یک رمز **آنالوگ** مورد توجه قرار می‌دهند. در این مورد فیسک معتقد است دلالت مستقیم چیزی است که به تصویر درآمده و دلالت ضمنی **چگونگی** این به تصویر درآمدن است. با این وجود حال معتقد است در عکاسی دلالت مستقیم از برجستگی بیشتری برخوردار است در عکاسی دال به طور مجازی، یکسان با مدلول خود به نظر می‌رسد و عکس خود را به عنوان «نشانه‌ای طبیعی» نمودار می‌سازد که بدون دخالت رمزگان تولید شده است. بارت در تحلیل متون ادبی واقع‌گرا به این نتیجه رسید که دلالت ضمنی تولید کننده‌ی امر موهوم دلالت مستقیم، توهم شفافیت رسانه و توهم این همانی دال و مدلول است. بنابراین دلالت مستقیم خود یک دلالت ضمنی بیش نیست. در چنین دیدگاهی می‌توان دلالت مستقیم را صرفاً به عنوان معنای «طبیعی» مشاهده کرد.

در مقابل دلالت ضمنی به فرآیند **طبیعی‌سازی** می‌پردازد چنین فرآیندی به این توهم قدرتمند می‌انجامد که دلالت مستقیم یک معنای صرفاً ملفوظ و کلی است که به هیچ وجه ایدئولوژیک نیست و در واقع دلالت‌هایی را که برای مفسر آشکارتر باشند، «طبیعی‌تر» نیز می‌باشند. برطبق خوانش‌های آلتوسری، وقتی ما دلالت‌های مستقیم را

می‌آموزیم، با یادگیری دلالت‌های ضمنی غالب در دام ایدئولوژی می‌افتیم. در نتیجه در حالی که از دیدگاه نظریه‌پردازان، ایجاد تمایز میان دلالت مستقیم و دلالت ضمنی مفید به نظر می‌رسد، اما در عمل این دو از هم جدایی ناپذیرند. بیشتر نشانه‌شناسان عقیده دارند که هیچ نشانه‌ای نمی‌تواند صرفاً دلالت مستقیم داشته باشد. والتین ولوشینف اصرار داشت که نمی‌توان مرز قاطعی میان دلالت مستقیم و دلالت ضمنی ایجاد کرد زیرا « معنای ارجاعی با ارزش‌گذاری‌های ما تغییر می‌کند... معنا همیشه از ارزش‌دواری رسوخ می‌پذیرد» هیچ توصیف خنثی و «ملفوظی» وجود ندارد که از عناصر ارزشی رها باشد (چندلر، ۱۳۸۶، صص ۲۱۲-۲۰۹).

متن مورد بررسی

متن مورد بررسی، در این تحقیق، سریال پایتخت است که در سال ۱۳۹۰ از شبکه یک سیما جمهوری اسلامی ایران، پخش شد. در این تحقیق، تمام صحنه‌های سریال پایتخت مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب که از طریق مشاهده تک تک صحنه‌های سریال مورد بررسی و استخراج نشانه‌های تصویری و صوتی، اطلاعات گردآوری شده‌اند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش، پس از گردآوری اطلاعات، جهت انجام تجزیه و تحلیل این اطلاعات از روش پنج‌رمزگان بارت استفاده شده است. تحلیل رمزگان بارت عبارت است از تقطیع داستان (یا به قول خود بارت فروپاشاندن آن؛ گویی زلزله‌ای خفیف آمده باشد) و سپس تحلیل دال‌های متنی به دست آمده بر اساس پنج‌رمزگان که عبارتند از: رمزگان هرمنوتیکی، رمزگان واحدهای کمینه معنایی یا دال‌ها، رمزگان نمادین، رمزگان کنشی، رمزگان فرهنگی. سجودی (۱۳۸۷) رمزگان هرمنوتیکی را این گونه بیان می‌کند:

۱- **رمزگان هرمنوتیکی:** عبارت است از همه واحدهایی که نقش‌شان عبارت است از طرح سوال، پاسخ به آن سوال و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤالی را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند یا حتی معمایی را طرح کنند و ما را به سوی راه‌حل آن رهنمون کنند. این به واقع همان رمزگان داستان‌گویی است که روایت به واسطه آن سولاتی را پیش می‌کشد و تعلیق و رمزوارگی می‌آفریند و سرانجام در مسیر خود گره‌گشایی می‌کند. این رمزگان معمولاً با نظام نحوی، واژگان و غیره سروکار دارد و می‌توان آن را بر اساس شکل کلی اش تشخیص داد: یک روند رمز آلود به همراه وعده ضمنی رمزگشایی: آفرینش حالت تعلیق و به دنبال آن گره‌گشایی (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴).

۲- **رمزگان واحدهای کمینه معنایی یا دال‌ها:** سجودی (۱۳۸۷) در این باره می‌نویسد: رمزگان واحد کمینه معنایی (Sememes) یا دال‌ها، مقصود رمزگان معناهای ضمنی است که از اشارت معنایی یا بازیهای معنا بهره می‌گیرد و توسط دال‌های بخصوصی تولید می‌شود؛ برای مثال، در یکی از واحدهای خوانش داستان سارازین می‌خوانیم: «ساعت الیزه بوربون تازه به صدا درآمده بود و فرا رسیدن نیمه‌شب را اعلام کرده بود» که به طور ضمنی نشان‌دهنده ثروت بادآورده و ناسالم است. بارت خود در این زمینه نوشته است: محله نوکیسه‌ها از طریق رابطه‌ای مجازی معرف پاریس دوران بازگشت بوربون‌ها به تخت است، دوره اسرار آمیز ثروت‌های بادآورده و مشکوک؛ کانون احتکار و سفته‌بازی. این رمزگان کم و بیش شبیه مضمون آشنای نقد انگلیسی آمریکایی، یعنی درون‌مایه "یا ساختار مضمونی است (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵).

۳- **رمزگان نمادین:** رمزگان گروه‌بندی‌ها یا ترکیب‌بندی‌های قابل تشخیص است که به طور منظم در شکل‌های متفاوت و به شیوه‌های مختلف در متن تکرار می‌شوند و سرانجام ترکیب بندی غالب را می‌سازند. مثلاً در واحد خوانش «عمیقاً در یکی از

رویاهای روزانه‌ام فرو رفته بودم» در تقابل با ماهیت متضاد "روز/ رویا" نخستین مورد از آنچه به الگوی گسترده‌ای از تقابل‌ها و تضادها می‌انجامد و پیوسته در داستان باز تولید می‌شود نشان داده شده است، تقابل‌هایی که با ورود برداشت جنسی از تضادها (مذکر/ مونث) به درون معنای کلی متن به اوج خود می‌رسد از دید اندیشمندان انگلیسی - آمریکایی رمزگان دال‌ها و رمزگان نمادین را به دشواری می‌توان از هم متمایز کرد (سجودی، ۱۳۸۷، صص ۱۵۶-۱۵۵).

۴- **رمزگان کنشی:** مقصود از رمزگان کنشی، رمزگان ناظر بر "کنش‌ها" است این نوع رمزگان در "توانایی عقلانی تعیین نتیجه عمل" ریشه دارد. مثلاً واحد خوانش "عمیقاً در یکی از رویاهای روزانه‌ام فرو رفته بودم" نشان دهنده حالت جذب و فریفتگی است و خود به طور ضمنی حکایت از وقوع رویدادی برای ختم این حالت دارد. به عبارت دیگر این رمزگان با زنجیره رویدادها سروکار دارد که در جریان خواندن و با گرد آمدن اطلاعاتی که روایت به ما می‌دهد ثبت می‌شوند و نامی به خود می‌گیرند، مثلاً می‌گوییم سکانس "قتل" یا سکانس "ولگردی" (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).

۵- **رمزگان فرهنگی یا ارجاعی:** این رمزگان به شکل صدایی "اخلاقی"، جمعی، بی‌نام و مقتدر تجلی می‌یابد که از جانب و درباره آنچه دانش "پذیرفته شده" یا خرد نامیده شده است، سخن می‌گوید. رمزگان فرهنگی مجرای ارجاع متن است به بیرون، به دانش عمومی (هنر، پزشکی، سیاست، ادبیات و...). رمزگان فرهنگی قلمرو اسطوره‌شناسی و ایدئولوژی است... درهم بافته شدن این مرجع‌ها حس واقعیت را در متن بوجود می‌آورد زیرا خود این افکار باورهای طبیعی و موجه فرهنگی‌اند؛ این‌ها را همگان به طور طبیعی می‌دانند.

به نظر بارت این پنج رمزگان قابلیت فهم متن را سامان می‌دهند. دو رمزگان یعنی رمزگان کنشی و رمزگان هرمنوتیکی عامل حرکت متن به جلو هستند و متن را از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر و به سوی آن غایت اجتناب ناپذیر پیش می‌برند و سه

دستگاه رمزگان دیگر، یعنی رمزگان دال‌ها، رمزگان فرهنگی و رمزگان نمادین اطلاعات اساسی را فراهم می‌کنند و معانی ضمنی لازم را برای تکمیل قابلیت فهم متن را به دست می‌دهند (سجودی، ۱۳۸۷، صص ۱۵۷-۱۵۶).

پایایی و روایی تحقیق

مفاهیم پایایی و روایی بدون جرح و تعدیل و اصلاح قابلیت کاربرد در تحلیل‌های کیفی چون نشانه‌شناسی را ندارند. در روش‌های کمی از جمله تحلیل محتوای کمی عوامل مهمی که در پایایی دخالت دارند عبارتند از تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن آن‌ها، آموزش کدگذاران در بکارگیری صحیح آن مفاهیم و سنجه‌های ریاضی برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد که امکان ارزیابی دستورالعمل کدگذاری تحلیل محتوای کمی و قابل اعتماد بودن کدگذاران را فراهم می‌کند. در تحلیل نشانه‌شناسی تعیین مقوله‌ها و متغیرها و تعریف آن‌ها و نیز آموزش و دقت در اعمال آن‌ها برای تحلیل متن ممکن و ضروری است اما محاسبه ضریب قابلیت اعتماد که مبتنی بر عدد و رقم است غیرممکن و بلکه غیرضروری است (مهدی زاده، ۱۳۸۳، ص ۷).

در این پژوهش تعیین مقوله‌ها مبتنی بر متن مورد مطالعه بوده و در تعریف آن‌ها از منابع متعدد (برای تعیین و تعریف مقوله‌های اخلاقی بیشتر از کتاب معراج السعاده) استفاده شده است. علاوه بر این، اعتبار این تحقیق از طریق اعتبار صوری یعنی توافق صاحب نظران درباره اعتبار نتایج مورد تأیید واقع شده است.

تحلیل داده‌ها

صحنه‌های انتخاب شده از سریال پایتخت که با استفاده از روش نشانه‌شناسی پنج رمزگان بارت تحلیل شده‌اند، شامل ۲۷ صحنه می‌باشد که در اینجا برای نمونه سه مورد ذکر می‌شود:

قسمت اول: صحنه اول (دقیقه ۳ تا ۳/۵۰)

عموی هما برای بار چندم آماده می‌شود تا به سفر حج برود و این در حالی است که چند سالی است به نقی بدهی دارد و نسبت به پرداخت بدهی خود کاری نمی‌کند. زمانی که نقی و هما برای خداحافظی به خانه عموی هما می‌روند، در مسیر، هما از نقی می‌خواهد که برای عمویش یک بسته تیغ بگیرد. نقی نیز به کنایه می‌گوید تیغمون که میزنه تیغشم می‌خریم. هما از نقی می‌خواهد که خونسردی خودش را حفظ کند، چون که برای گرفتن حلالیت به خانه عمو می‌روند. نقی نیز اصرار دارد که حلالش نمی‌کند، چون لزومی نمی‌بیند وقتی کسی برای چند سال است که بدهی دارد برای بار چندم به خانه خدا برود.

جدول ۱: رمزگان پنجگانه در صحنه اول

رمزگان فرهنگی یا ارجاعی	رمزگان کنشی	رمزگان نمادین	رمزگان کمینه معنایی	رمزگان هرمنوتیکی	معرفی صحنه
ارجاع به دین‌داری تظاهری	باید دید که برخورد نقی با عموی هما چگونه است؟ آیا وارد خانه او می‌شود؟ باید دید آیا نقی حاضر می‌شود عموی هما را حلال کند؟	حلال کردن / حلال نکردن گذشت کردن / گذشت نکردن	- اشاره به ارزش گذشت / بخشش - اشاره به مفهوم ضد اخلاقی خوردن یا زیرپا گذاشتن حق دیگران - دلالت بر احترام به بزرگتر	چرا عموی هما بعد از گذشت چند سال هنوز بدهی خود را به نقی نداده است؟	صحنه شماره ۱ خانواده نقی برای خداحافظی به خانه عموی هما می‌روند

در این صحنه، در سطح اولیه دلالت یعنی دلالت مستقیم، ما شاهد بحث نقی و هما برای رفتن به خانه عموی هما هستیم، که قرار است به سفر مکه برود. اما این صحنه به طور ضمنی به چند مقوله اخلاقی و ضد اخلاقی اشاره می‌کند.

کنایه نقی در مورد عموی هما که در قالب این جمله بیان شده «تیغمون که می زنه، تیغشم می خیریم». تیغ زدن در فرهنگ ایرانی به طور ضمنی، به یک عمل ضد اخلاقی که بیانگر «زیرپا گذاشتن حق دیگران است» اشاره می کند. عموی نقی علیرغم اینکه فردی دیندار و مناسک‌گرا است اما **حق الناس** را رعایت نمی کند. این موضوع در سطح وسیع تر دلالتی بر دین داری تظاهری اشاره می کند. یعنی عمو در حالی که حق الناس را که دین ما به شدت به عنوان یک امری اخلاقی به آن تاکید کرده رعایت نمی کند، اما چندین بار به مکه رفته و مناسک و ظواهر دینی را به جای آورده است.

علاوه بر این، در دیالوگ برقرار شده بین نقی و هما، نقی به هما تأکید می کند که «تو خونه عمو نمیریم و سرپا خداحافظی می کنیم» و در جواب هما که می گوید «عمو می خواهد حلالیت بطلبد»، نقی جواب می دهد «من حلالش نمی کنم به من بدهکاره»، این دو جمله به صورت ضمنی اشاره به ارزش اخلاقی «گذشت» و «بخشش» دارد یعنی نقی با بیان این دو جمله نشان می دهد که چندان مایل نیست عموی هما را به خاطر بدهی اش ببخشد و در این زمینه گذشت کند. اما علیرغم این موضوع، در حالی که معمولاً عرف بر این است که کسی که قصد سفر به خانه خدا را دارد برای حلالیت گرفتن اقدام می کند، نقی حاضر شده است که علیرغم ناراحتی از عموی هما، گذشت کند و برای این موضوع به خانه او برود. علاوه بر این، همین موضوع خود بیانگر یک ارزش اخلاقی دیگر یعنی «احترام گذاشتن به بزرگتر» است.

قسمت اول: صحنه دوم (دقیقه ۵/۳۰ تا ۷)

بعد از رسیدن به خانه عموی هما، هما و نقی متوجه یخچالی می شوند که جلوی در خانه عموی هما است. زن عموی هما می گوید این یخچال را برای جهیزیه دختری در تهران خریده اند و از آن ها می خواهد که هنگام اسباب کشی، آن را با خود به تهران ببرند. پس از داخل شدن به خانه، عموی هما که در حال زدن موهای سر خود است از این که نتوانسته برای بدرقه به درب منزل بیاید عذرخواهی می کند. هما و نقی با دیدن این صحنه شروع به خندیدن می کنند. نقی مجبور می شود چند دقیقه ای را برای خوردن

نشانه‌شناسی سریال‌های پربیننده با تأکید بر مقوله اخلاق / ۵۷

چای آن جا بماند و در همین زمان اشاره ای به بدهی خود می کند و می گوید «برای این که شما مدیون نباشید» اما عمومی هما طلبکارانه از او می‌خواهد تا دوباره نقی به او پول قرض بدهد. هنگام خداحافظی و گرفتن حلالیت، عمو از نقی می‌خواهد یخچال خریداری شده را به صاحبش در تهران برساند و تأکید می‌کند تا کسی متوجه این موضوع نشود. از طرف دیگر از نقی می‌خواهد تا بقیه موهای سر او را بزند. نقی با کمی ناراحتی از او این کار را انجام می‌دهد. و این در حالی است که خود عمو به همه حاضرین، قضیه را می‌گوید حتی به رهگذری که از کوچه می‌گذرد.

جدول ۲: رمزگان پنجگانه در صحنه دوم

رمزگان فرهنگی یا ارجاعی	رمزگان کنشی	رمزگان نمادین	رمزگان کمینه معنایی	رمزگان هرمنوتیکی	معرفی صحنه
ارجاع به گذشت کردن	- نقی به صورت زبانی عمومی هما را حلال می‌کند باید دید نقی حاضر می‌شود که یخچال را به تهران ببرد؟	حلال کردن / حلال نکردن / گذشت کردن / گذشت نکردن / احترام گذاشتن / احترام نگذاشتن	اشاره ضمنی به ارزش‌ها و فضائل اخلاقی: - گذشت کردن - دلالت بر احسان و دستگیری از دیگران - احترام گذاشتن - ادای دین و رعایت حق‌الناس - خویشتن‌داری اشاره به رذائل اخلاقی: - ریا - تمسخر و استهزای دیگران	آیا واقعا نقی عمومی هما را حلال کرده است؟	صحنه شماره ۲ طلب حلالیت و خداحافظی عمومی هما از نقی

در سطح اولیه دلالت، در این صحنه ما شاهد خداحافظی و حلالیت طلبیدن عمومی هما از نقی و هما هستیم. اما در این صحنه نیز به مفاهیم اخلاقی متعددی به صورت ضمنی اشاره شده است. «حلالیت طلبیدن» که انگیزه اصلی هما و نقی برای رفتن به

خانه عمو است، به طور ضمنی به ارزش اخلاقی «گذشت کردن» اشاره می‌کند. زمانی که شخصی از دیگری حلالیت می‌طلبد، در واقع از او می‌خواهد تا بدی‌های او را ببخشد. از طرفی دیگر عموی هما در حالی که به نقی بدهی دارد، علیرغم این موضوع یخچالی برای جهیزیه دختری در تهران خریده است. «احسان کردن و دستگیری کردن» از جمله فضائل و ارزش‌های اخلاقی دیگری است که ما در این صحنه شاهد آن هستیم اگرچه این مسئله نیز به شکل ضمنی به تظاهرکردن عموی هما در مسائلی دینی و اخلاقی اشاره دارد. یعنی او به اموری از دین و مسائل اخلاقی می‌پردازد که نمودی بیرونی داشته باشد.

«احترام گذاشتن» از مفاهیم اخلاقی دیگری است که در این صحنه شاهد آن هستیم. نقی و هما علیرغم اینکه در حال اسباب‌کشی و شدیداً گرفتار بودند، به عموی هما احترام می‌گذارند و برای دیدن او به خانه او می‌آیند. اما عموی هما، حتی حاضر نمی‌شود برای بدرقه آن‌ها و احترام گذاشتن به ورودشان، به در خانه بیاید و به بهانه زدن موهای سرش داخل خانه می‌ماند.

«تمسخرکردن» به عنوان یکی از رذائل اخلاقی کاری است که توسط نقی و هما هنگام دیدن عمو که در حال زدن موهای سر خود است صورت می‌گیرد. «حق الناس و ادای دین یه دیگران» از دیگر فضائل اخلاقی است که علاوه بر این که در صحنه قبل به آن اشاره شده بود در این صحنه نیز مورد تأکید قرار گرفت. نقی به عموی هما یادآوری می‌کند که عمو به او بدهی دارد اما عموی هما بی تفاوت نسبت به حرف نقی مجدداً از نقی می‌خواهد به او پول قرض بدهد.

در انتهای این صحنه به طور مستقیم به مفهوم «ریا» اشاره می‌شود. ریا از جمله رذائل اخلاقی است که بر اساس آنچه نمایش داده شده در این صحنه، عموی هما درصدد آن است از آن اجتناب کند.

«خویشترداری» نقی در بیان احساس ناراحتی‌اش و گذشت کردن او در مقابل عموی هما از دیگر موضوعات اخلاقی است که در این صحنه دیده می‌شود. نقی با

وجود اینکه از عمومی هما ناراحت است، اما در ابراز ناراحتی خود خویشتن‌داری کرده به داخل خانه عمومی می‌رود و در نهایت به خواسته عمومی برای زدن موهای سرش پاسخ مثبت داده و این کار را برای او انجام می‌دهد.

قسمت اول: صحنه سوم (دقیقه ۱۵/۱۳ تا ۱۴)

نقی و هما پس از خداحافظی از عمومی هما، برای جمع کردن وسایلشان و اسباب‌کشی به تهران، به خانه خود باز می‌گردند. اهالی محله برای خداحافظی از نقی و هما آمده بودند. پس از بار زدن وسایل به خانه عمومی هما می‌روند تا یخچال را نیز به تهران ببرند. عمومی هما باز به نقی تأکید می‌کند که کسی نباید بفهمد که او برای جهیزیه دختری، یخچال خریده است. پس از آن، نقی و هما به همراه ارسطو راهی تهران می‌شوند. قبل از خروج از علی آباد، نقی پدرش را می‌بیند که از آن‌ها می‌خواهد او را هم با خود به مشهد ببرند. با این که پدر نقی دارای مشکل فراموشی است نقی قبول می‌کند که پدرش را همراه خود به تهران ببرد.

جدول ۳: رمزگان پنجگانه در صحنه سوم

رمزگان فرهنگی یا ارجاعی	رمزگان کنشی	رمزگان نمادین	رمزگان کمینه معنایی	رمزگان هرمنوتیکی	معرفی صحنه
ارجاع به ریا و تظاهر	اختلال حواس پدر نقی، احتمالاً در آینده نقی را با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو خواهد کرد.	کمک کردن / کمک نکردن ریا و تظاهر به دینداری / دینداری خالصانه	اشاره به ارزش‌های اخلاقی: - احسان و نیکی کردن به دیگران - احترام به بزرگتر - احساس مسئولیت - اشاره به ریا	چرا عمومی هما با این که اصرار داشت کسی از کارش خبردار نشود خودش به رهگذری که از آن جا رد می‌شد گفت برای جهیزیه دختری یخچال خریده است؟	صحنه شماره ۳ جمع کردن وسایل و اسباب کشی به تهران

دلالت اولیه و مستقیم این صحنه اشاره به اسباب کشی نقی و هما و بدرقه آن‌ها به تهران دارد. اما در سطح دلالت ثانویه، صحنه به «همدلی و مهربانی» اشاره می‌کند. مهربانی اهالی محله علی‌آباد به خانواده نقی و هما. در این صحنه می‌بینیم که اهالی محله برای خداحافظی با نقی و هما آمده‌اند و حتی یکی از آن‌ها برایشان گوسفندی برای پیشکش و قربانی کردن آورده است. او به نقی می‌گوید «قابل شما رو نداره. میری تهران جلو خانه جدیدت قربانی کنید. تهران گوسفند گرانه برار». این صحنه و دیالوگ برقرار شده به فضیلت اخلاقی «احسان، نیکی و محبت کردن» اشاره دارد.

در ادامه صحنه نقی به حرف عمومی هما «احترام» می‌گذارد و برای برداشتن یخچال به خانه او می‌رود. عمو باز به نقی تأکید می‌کند که هیچ‌کس نباید بفهمد اما در همین حین به رهگذری که از آن‌جا عبور می‌کند می‌گوید: «یه یخچالی هست جهیزیه یه بنده خداست می‌خوام کمک کنی بذارن رو کامیون» و نقی با خودش می‌گوید «اوه. چقدرم که هیچ‌کس نمی‌فهمه». در این‌جا شاهد «ریا» به عنوان یک رذیلت اخلاقی هستیم که از طرف عمومی هما دیده می‌شود.

بعد از بار زدن یخچال نقی راهی تهران می‌شود که پدرش را می‌بیند که از او می‌خواهد با آن‌ها به مشهد برود. پدر نقی سال هست که آرزوی رفتن به مشهد را دارد و حالا با همین تصور با نقی راهی می‌شود. در این‌جا دینداری خالصانه پدر نقی را در مقابل تظاهر به دینداری عمومی هما می‌توان دید. نقی نیز که در قبال پدرش «احساس مسئولیت» می‌کند به او احترام گذاشته و او را با خود می‌برد. بنابراین احساس مسئولیت و احترام به بزرگتر از دیگر ارزش‌های اخلاقی است که در این صحنه می‌بینیم.

نتیجه‌گیری

براساس نتایج بدست آمده از تحلیل صحنه‌های سریال پایتخت، شخصیت‌های این سریال به صورت کاملاً مثبت و کاملاً منفی نیستند به گونه‌ای که شخصیت اول سریال که مخاطب با او همذات‌پنداری می‌کند، به عنوان یک شخصیت مثبت در ذهن مخاطب

نقش می‌بندد با وجود این، برخی رفتارهای مشاهده شده از این شخصیت از نوع غیر اخلاقی بوده و این رفتار با انتظار مخاطب در تناقض است و سایر شخصیت‌ها بیشتر به صورت شخصیت‌های تقریباً مثبت و یا تقریباً منفی به نمایش درآمده‌اند.

با توجه به این که سریال پایتخت با موضوع مشکلات زندگی در تهران به نمایش درآمده است، این امر تمامی اتفاقات سریال را تحت تأثیر خود قرار داده است. در این سریال بیشتر رفتارهای اخلاقی به گونه‌ای به نمایش درآمده است که فردی که در شهر تهران یک نوع ارزش اخلاقی را رعایت می‌کند، نتیجه آن ضرر کردن و زیان دیدن فرد انجام دهنده این نوع رفتار و ارزش اخلاقی است، مثل اعتمادی که نقی به خریدار گوسفند می‌کند ولی نتیجه آن چیزی جز دزدیده شدن گوسفند نیست و یا در صحنه‌ای که مردی که به نقی کمک می‌کند کمک خود را نصفه کاره می‌گذارد و نقی را رها می‌کند با این بهانه که این روزها مشتری زیادی دارد و باید برود و به آنها برسد. در واقع محیط شهری ایجاب می‌کند که هرکسی به فکر منفعت شخصی خود باشد و از توجه به دیگران امتناع کند، زیرا نه فرصت آن را دارد و نه نفعی برای فرد به دنبال دارد. زیرا همه چیز و انجام هرگونه فعالیتی تحت تأثیر رقابتی است که باید برای پیروز شدن در آن هرچه بیشتر به فردیت و فرد بودن توجه کرد. حتی این بی‌توجهی شامل حال اعضای خانواده نیز می‌شود و چیزی به نام صلح‌رحم بسیار کم اتفاق می‌افتد. در این سریال می‌بینیم که فرزندان از مرگ پدر خود بی‌اطلاعند و توسط دیگران از این ماجرا باخبر می‌شوند. در این سریال پیامد کارهای غیر اخلاقی چون دروغ، منفعت‌طلبی، نادیده گرفتن حقوق دیگران، دور زدن قانون و... حل شدن مشکلات و رسیدن به اهداف خود است در این سریال هر فردی با هر فرهنگی به مرور در فرهنگ تهران ذوب می‌شود و وارد رقابتی می‌شود که در آن رفتارها و ارزش‌های اخلاقی جایی برای خود نمایی ندارند و باطبع مقلد رفتارهای حاکم بر فضای شهر تهران می‌شود و هر چه بیشتر زمان می‌گذرد بیشتر شبیه تهرانی‌ها می‌شود مثل صحنه‌ای که در آن نقی در خانه آقای برازجانی به دروغ وانمود می‌کند که دوست قدیمی اوست و وقتی هما از

او می‌پرسد که چرا اینقدر دروغ می‌گویید؟ نقی در جواب می‌گوید که مگر نمی‌خواهی مشکلات ما حل شود؟ پس دروغ گفتن اشکالی ندارد.

شخصیت‌های این سریال به دو گروه روستایی و شهری تقسیم شده‌اند و هر کدام فرهنگ خاص خود را دارند که بر نوع رفتارهای آنها در یک فضای مشترک شهری سایه افکنده است. به گونه‌ای که رفتارهای خاصی را از تهرانی‌ها که بیشتر غیر اخلاقی نیز هست به نمایش درمی‌آید، یعنی تهرانی بودن و در تهران بودن دلیل موجهی برای انجام کارهای عمدتاً غیر اخلاقی است و برعکس فرد غیر تهرانی یا شهرستانی (خانواده نقی) که دارای یک فرهنگ روستایی است خود را بیشتر به رعایت ارزش‌های اخلاقی ملزم می‌دانند. جهت‌گیری اخلاقی کل سریال بیان‌کننده روال رو به زوال اخلاق در شهر تهران و دور شدن از فرهنگ اصیل خود است و شاید بتوان این سریال را هشدار در این زمینه دانست.

تقابل‌های دوگانه اخلاقی که در سریال پایتخت برجسته شده‌اند از این قرارند:

- احترام گذاشتن / بی‌احترامی کردن
- حُسن ظن / سوءظن
- تواضع و فروتنی / تکبر و غرور
- مهمان نوازی / بی‌حرمتی به میهمان
- اعتماد کردن / بی‌اعتمادی
- تهمت زدن / تهمت نزدن
- قانونمندی / قانون‌گریزی
- کمک کردن / کمک نکردن

منابع

- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۹). روش‌های تحلیل رسانه‌ها. ترجمه پرویز اجلالی. دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- اکو، اومبرتو (۱۳۸۹). نشانه‌شناسی. ترجمه پیروز ایزدی. انتشارات ثالث.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. انتشارات سوره مهر
- شهاب، فوزیه، صالحی سده، زیبا (۱۳۸۳). «بررسی ارزشهای اسلامی در مجموعه تلویزیونی گمگشته». مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما. سند شماره ۸۵
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی رسانه‌های جمعی. فصلنامه علمی ترویجی وسایل ارتباط جمعی. سال نوزدهم شماره ۱ شماره پیاپی ۷۳. بهار ۱۳۸۷.
- گیل، دیوید، آدامز، بریجت (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات. رامین کریمان. مهران مهاجر. محمد نبوی. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳). دروس فلسفه اخلاق اسلامی. تهران انتشارات اطلاعات
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری. قم انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). فلسفه اخلاق. انتشارات صدرا
- مظاهری، حسین (۱۳۸۸). کاوشی نو در اخلاق اسلامی. ترجمه: محمدرضا آژیر، محمود ابوالقاسمی. انتشارات ذکر
- معلمی، حسن (۱۳۸۰). مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی. انتشارات: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی دوره شش جلدی. تهران انتشارات امیرکبیر
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). زندگی در پرتو اخلاق. قم انتشارات نسل جوان
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث. شامل سیصد آیه و هفتصد حدیث؛ تدوین حسین حسینی تهران دارالکتب‌الاسلامیه
- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۸). معراج السعاده. قم انتشارات وحدت بخش

- هرمزی‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۴) «ارزش‌های اسلامی در دو سریال ایرانی: تحلیل محتوای سریال‌های تلویزیونی آپارتمان و همسران». مرکز تحقیقات صداوسیما. سند شماره ۱۸۶.
- یاکوبسن، رومن (۱۳۸۰). قطب‌های استعاره و مجاز. ترجمه کورش صفوی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

